



یادداشت

زمانی که رژیم از خود سلب مسئولیت می کند، راه انقلاب را می گشاید!

صادق کار



در روز چهارشنبه این هفته فاطمه مهاجرانی سخنگوی دولت پزشکیان پس از ماه ها سکوت و امتناع از دادن پاسخ به خواسته های اعتراضات موج وار بازنشستگان، کارگران، معلمان و پرستاران برای افزایش دستمزد و حقوق و رسیدگی به مطالبات دیگر، پس از تعریف و تمجید بی هزینه از معترضین مطالبه گرو به حق خواندن مطالبات آنان در چند جمله کوتاه رک و پوست کنده به درخواست های همه ی آنان جواب رد داد و علت آن را اولویت نداشتن مطالبات زحمتکشان برای دولت اعلام کرد و گفت

" معتقدیم که باید بار را به اندازه بر دوش دولت گذاشت. مثلا مطالبه گندم کاران به حق است، اما سقف " خرید و قیمت خرید گندم بالاتر رفته، مشابه این قضیه را در مورد بازنشستگان هم داشتیم. همه ی اینها پشتوانه قانون دارد هیچ خللی متوجه مردم عزیز ما نیست. دستبوس بازنشستگان، گندم کاران، پرستاران ... و معلمان هستیم، ولی ظرف بودجه دولت محدود است و باید دولت اولویت بندی کند

ماهیت دولت پزشکیان و وظیفه و ماموریتی که علی خامنه ای برای وی تعیین کرده بود برای اکثر فعالین سیاسی و کارگری پنهان نبود. از همان آغاز کار پزشکیان با سکوت خود در مورد افزایش شدید شمار اعدام و سکوت در بر خورد با سرکوب اعتراضات همه روزه زحمتکشان ماهیت واقعی خود را برای آنهایی که فریب شعار های پوپولیستی و عوام گرایانه وی را خورده بودند رو کرد. افزایش قیمت نان، شیر، لبنیات، کرایه وسایل نقلیه عمومی و گرفتن پول ثبت نام از اولیای دارا و ندار دانش آموزان و پاسخ رد به درخواست افزایش دستمزد و قدرت خرید زحمتکشان رویکرد سیاستهای اقتصادی و اجتماعی دولت را بطور عریان در معرض دید جامعه قرار داد

معنی و مفهوم موضع سخنگوی دولت روشن تر از آن است که نیاز به تفسیر و تشریح داشته باشد. همه ی این گروه ها از بازنشسته تا پرستار فهمیدند که مشکلات معیشتی و رفاهی آنان برای دولت پزشکیان در اولویت قرار ندارد و درد و رنج و بی حقوقی شان اهمیت اش کمتر از اهمیت تجهیز دستگاه پر هزینه سرکوب و نظامی گری است

در گذشته که وضع اقتصادی هم بهتر بود وضعیت زحمتکشان و رفتار حکومت با آنها و حقوق شان با اینکه صحبتی از جنگ نبود کم و بیش مانند حالا بود و تنها بهانه هایشان فرق می کرد. بهمین دلیل جواب رد



دولت پزشکیان به افزایش دستمزد و حقوق ها را باید به منزله گفتن، همین که هست تعبیر کرد و حالا که همه ی نهادهای و جناح های رژیم علیه مزد و حقوق بگیران صف آرایی کرده‌اند و نه از قانون کار چیزی باقی گذاشته‌اند و نه به کارگر و کارمند اجازه تشکیل سندیکا و تشکل می دهند، قبل از آنکه همین دستمزد و حقوق یک سوم خط فقر را هم به بهانه شرایط جنگی و تحریم، مانند دو سال گذشته تقلیل دهند باید ب فکر چاره بود.

همه ی ما می دانیم و در تجربه دیده‌ایم که بی حقوق سازی نیروی کار حتی در دوره افزایش بی سابقه دلارهای نفتی نه تنها متوقف نشد، بلکه تشدید هم شده بود. سقوط سطح زندگی چهار پنجم جمعیت کشور که اکثر کارگر و حقوق بگیر یا کسبه کوچک هستند، و حتی رکود اقتصادی از نتایج سرکوب دستمزدی، بی حقوق سازی نیروی کار و سرکوب تشکلهای مستقل کارگری است که بعد از تشکیل دولت پزشکیان همه ی این موارد تشدید شده‌اند.

از مجموعه اقدامات دولت به راحتی می توان پی برد که وظیفه و مأموریت اصلی آن پیشبرد سیاست شوک درمانی همراه با سرکوب برای نجات رژیم از فروپاشی اقتصادی و سیاسی است. نرمش موقت و تعدیل تاکتیکی در سیاست خارجی که در ماه های اخیر شاهد آن بوده‌ایم نیز تلاشی است در خدمت جلوگیری از فرو پاشی خاصه فروپاشی اقتصادی.

از آنجا که رژیم حاضر نیست رویکردهای داخلی خود را که حیات و ممت رژیم به آن وابسته است را تغییر دهد، هر روز که می گذرد بر تعداد مخالفان آن افزوده و روند فرو پاشی و سرنگونی آن سرعت می گیرد.

روی کار آوردن دولت پزشکیان و عملکرد آن بر خلاف انتظار طرفداران حفظ نظام، روند فروپاشی را بجای آنکه کند نماید، شتاب می بخشد و تمایل به انقلاب در جامعه را در بین مردم به ویژه بین آنهایی که بیشتر از دیگران تحت فشار قرار دارند افزون می کند، زیرا آنها می دانند در صورت ماندن این رژیم فاسد و مستبد در قدرت، روز به روز وضع مردم وخیمتر و خطر جنگ و تنش و دخالت بیگانگان در امورات کشور بیشتر می شود. شکست کامل همه ی تلاشهای که برای ایجاد اصلاحات سطحی از درون انجام گرفت، امید به اصلاح نظام را در جامعه زوده و انقلاب را که سعی بسیاری شد و می شود به حاشیه رانده شود به متن آورده و در دستور جامعه بحران زده ایران قرار داده است. زمانی که حقوق و معیشت اکثریت جامعه در اولویت یک رژیم نباشد و اعتراضات مسالمت آمیز گرسنگان و فقر زدگان سرکوب و بی پاسخ بماند و رژیم نسبت به آنها از خود سلب مسئولیت نماید، آیا راه دیگری به غیر از انقلاب برای مردم به تنگ آمده و درمانده از تامین معاش روزانه خود باقی می ماند؟

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن
بپیوندید!**

**ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!
برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران و مزد و
حقوق بگیران!**



صورتبرداری از خطرات کار کودک در زنجیره های تأمین جهانی بخش هجدهم و پایانی

تحلیلی در بخشهای پوشاک، الکترونیک و کشاورزی



نوشته راشل جکسون، از انتشارات یونیسف

7.1 رسیدگی به علت اصلی - ادامه

تلاش برای حذف کار کودک در صنعت کاکائو اکنون دوباره بر مسئله فقر کشاورزان، به عنوان یک علت سازنده (Barry Callebaut) ریشه‌ای آن، متمرکز شده است. برای نمونه در سال 2016 بری کالبوت شکلات، یک ابتکار برای تولید "شکلات پایدار" به نام شکلات همیشگی به راه انداخت و برای کار خود در صنعت کاکائو یک سری اهداف جدید را وضع کرد. گزارش شرکت او در این باره حاکی از آن است که

تخمین زده می شود که بیش از 2 میلیون کودک در اثر مستقیم فقر کشاورزان کاکائو، در مزارع کاکائو در ساحل عاج و غنا کار می کنند. صنعت کاکائو و کشورهای کاکائوپرور، علیرغم سرمایه‌گذاری در آموزش و افزایش آگاهی در سال‌های گذشته و فراهم آوردن امکان گذراندن دوره دبیرستان، موفق به ریشه‌کن کردن ساختاری کار کودک نشده‌اند. مقابله با فقر یک راه‌حل بلندمدت برای رفع کار کودک است، اما در کوتاه‌مدت باید سیستم‌های نظارتی و اصلاحی قوی ایجاد کنیم تا بتوانیم کار کودکان را شناسایی کنیم و برای همیشه از میان برداریم. علاوه بر این، ما باید با دولت‌ها، رهبران جماعات و پروژه‌های توسعه در کشورهای مبدأ کار کنیم تا قوانین و مقررات موجود علیه کار کودکان به اجرا درآیند، زیرساخت کافی برای تحصیل ایجاد شود، و از حضور کودکان در مدرسه و دسترسی خانواده‌های کشاورز کاکائو به حمایت‌های مالی برای فرستادن کودکان به مدرسه اطمینان یابیم. ما باید از افزایش آگاهی و تغییر درک [از مسئله کار کودک] در خود جوامع حمایت کنیم.

هدف اعلام شده بری کالبوت این است که امکان تأثیر بر مسائل را، هم در کوتاه مدت و هم در بلندمدت، داشته باشد و از طرق مختلف و برنامه‌های متعدد به حل مسائل نزدیک شود. یکی از اهداف مشخص بری کالبوت این است که 500000 کشاورز کاکائویی را از فقر بیرون کشد. امید این است که با بهبود درآمد خانواده‌ها، آنها از فقر خارج شوند، توانایی سرمایه‌گذاری در مزارع خود را بیابند، و معیشت پایدارتری برای خود ایجاد کنند. آموزش کشاورزی و امور مالی می تواند به انعطاف پذیری کشاورزان در مواجهه با تغییرات بازار یا کاهش حاد محصول کمک کند.

7.2 رفع موانع دسترسی به مدرسه



بیرون کشیدن کودک از بازار کار لزوماً تضمینی برای ورود او به مدرسه نیست. موانع بسیاری وجود دارند که اغلب کودکان را از حضور در مدرسه باز می‌دارند، چه به این دلیل که آنها جا مانده‌اند و پیشتر هرگز ثبت نام نکرده‌اند، یا پولی برای پرداخت هزینه‌های تحصیل و ثبت نام ندارند. همچنین ممکن است مدارک لازم برای ثبت نام در مدرسه مثلاً شناسنامه نداشته باشند. در برخی موارد، خود جامعه از امکانات مناسب، وسایل کافی یا معلمان واجد شرایط، و حتی گاه مدرسه برخوردار نیست. اطمینان از رفع این موانع یا مدیریت آنها، عامل مهمی برای بیرون کشیدن کودکان از بازار کار و تضمین مسیر آنها به سوی آینده‌ای بهتر است.

اقدامات مختلف دولت باید از جمله همکاری با جامعه مدنی برای دسترسی به شناسنامه، پوشش هزینه‌های مدرسه یا هزینه‌های مربوط به لوازم و لباس، یا سازمان دادن برنامه‌هایی برای جبران عیق ماندگی‌های قابل توجه بسیاری از کودکان در تحصیل را شامل شود.

7.3 ایجاد مناطق آزاد از کار کودک

به مشابهت با کاری که توسط جامعه مدنی در هند انجام می‌شود، برای حذف کار کودک باید در تمام بخشهای یک جامعه تلاش همه جانبه ای انجام شود. در غیر این صورت تلاش برای حذف کودکان، مثلاً از صنعت پنبه، ممکن است منجر به انتقال کار کودکان شاغل از این صنعت به صنعت یا بخش دیگری شود.

با تلاش در کل جامعه برای افزایش آگاهی در باره اهمیت آموزش و نیاز به جلوگیری از اشتغال کودکان در کارهای خطرناک، یک جامعه می‌تواند به یک "منطقه عاری از کار کودک" تبدیل شود. این امر مستلزم مشارکت کل جامعه است: والدین، رهبران روستاها و مقامات محلی، معلمان، کارفرمایان و نیز خود کودکان. ایجاد منطقه عاری از کار کودک مستلزم افزایش آگاهی در سراسر جامعه، حساسیت به نقض حقوق کودک از مجرای کار کودک، درک اهمیت و حق آموزش است، و نیز مستلزم تلاش است برای این که "والدین و کارفرمایان به این نتیجه برسند "سپردن کودکان به بازار کار پذیرفتنی نیست".

7.4 همکاری جامع

اگر می‌خواهی سریع بروی، تنها برو. اگر می‌خواهی به راه دور بروی، تنها نرو!" شرکت‌ها اغلب این "ضرب المثل را هنگام بررسی نقش ممکن خود در ادای مسئولیت شرکتی خود نقل می‌کنند. شرکت‌هایی که به دنبال حذف کار کودکان در سراسر زنجیره تامین بالادستی خود هستند، اگر با طیف وسیعی از بازیگران مرتبط - از جمله سایر شرکت‌های درگیر در همان منطقه جغرافیایی، شرکت‌های دیگر در همان بخش و در سایر بخش‌ها در منطقه، سازمان‌های جامعه مدنی، دولت‌های ملی و محلی، و نمایندگان جامعه - طرف باشند، موفقیت بیشتر و تأثیر گسترده‌تری خواهند داشت.

شرکتها می‌توانند علاوه بر تعامل با طیف کاملی از ذینفعان محلی، تأثیر خود را در تعامل با دولت ملی گسترش دهند. تلاش و ابتکار یک شرکت، مانند سیستم‌های نظارت بر کار کودکان در ساحل عاج، می‌تواند موفقیت محدودی در زنجیره تامین آن شرکت داشته باشد. برای رسیدن به نتایج بزرگتر، دولت باید دست به اقداماتی بزند که در تجربه شرکت‌های کوچکتر در سطح ملی موفقیت آمیز بوده‌اند.



تلاش برای تأثیربخشی گسترده تر، درگیر کردن طیف گسترده‌ای از ذینفعان، پرداختن به علل ریشه‌ای و هدف قرار دادن همه کودکان در جوامع آسیب‌دیده نمونه‌هایی از نوآوری‌هایی هستند که شرکتها برای از میان برداشتن کار کودک در زنجیره تأمین ردیف 4 باید انجام دهند

کمیته های اعتصاب را در کارخانه ها و ادارات تشکیل دهیم! اتحاد، اعتراض، اعتصاب، نبرد تا رهایی!

پیرامون پرداخت بیمه طلاب و ورحانیون از جیب کارگران و بازنشستگان

ع امید



روزنامه "آفتاب" روز پنج شنبه این هفته در گزارشی به بهانه شروع کارزاری که توسط طلاب بصورت آنلاین به راه افتاده منتشر کرد بیمه شدن طلاب توسط تامین اجتماعی از جیب کارگران و بازنشستگان را مورد انتقاد قرار داد و با اشاره به وضعیت بد اقتصادی تامین اجتماعی "شرعی" بودن یا نبودن آن را به زیر سوال برد و نوشت:

طلاب مشغول به تحصیل در حوزه‌های علمیه چندین کارزار آنلاین ایجاد کرده اند تا سابقه ۱۰ ساله بیمه " آن‌ها در دوره طلبگی به عنوان سوابق شغلی پذیرفته شود تا بتوانند با حداکثر با ۱۰ تا ۱۵ سال کار در " نهاد‌های مانند آموزش و پرورش بازنشست شوند

رندی را ببینید، می خواهند هم از آخر بخورند هم از توبره، به حساب دیگران ده سال تحت پوشش بیمه بوده‌اند، هم می خواهند سابقه تحصیل طلبگی شان جز سابقه کار و بازنشستگی محسوب شود تا زودتر از دیگران، حتی آنهایی که در مشاغل سخت و زیان آور کار می کنند، بازنشسته شوند، هم با سواد حوضی شان دنبال کار معلمی و اداری هستند. با این وصف نظر به موقعیتی که این جماعت در دستگاه حکومتی دارد، این درخواست شان را هم به کرسی خواهند نشاند

به نوشته‌ی این روزنامه به غیر از طلاب حوزه علمیه که از خدمات تامین اجتماعی بهره می برند و به آن هم قانع نشده و با راه انداختن کارزار خواستار ملحوظ شدن سالهایی که مجانا از امکانات تامین اجتماعی بهره برده‌اند، به سابقه کاری خود شده‌اند، خادمین مساجد، بسیجی ها و گروه های دیگری نیز به صورت تکلیفی از طرف دولت تحت پوشش تامین اجتماعی قرار گرفته‌اند



به گفته حسن صادقی این گروه ها در واقع در زمان احمدی نژاد تحت پوشش قرار گرفته‌اند و قرار بوده که حق بیمه آنها توسط دولت تامین شود، ولی دولت‌ها به قول و قرار خود پایبندی نشان نداده‌اند. البته دولت‌های بعدی می‌توانستند دستور دولت احمدی نژاد را لغو کنند ولی نکردند.

هر شخصی که کارگر هم نباشد می‌تواند با پرداخت همه ی حق بیمه خود مطابق مقررات از امکانات تامین اجتماعی برخوردار شود و قانون هیچ کس را از این حق مستثنی نکرده است. هم اکنون نیز اشخاص زیادی هستند که بعنوان خویش فرما و غیره با پرداخت حق بیمه خود از خدماتی که توسط تامین اجتماعی ارائه می‌شود استفاده می‌کنند آنهایی که کارفرما ندارند خودشان باید سهم کارفرما را نیز پرداخت کنند.

سالهاست که دولت‌ها از پرداخت سهم خود و همچنین حق بیمه افرادی که آنها را با قبول پرداخت حق بیمه ی کارفرمایی شان بطور "تکلیفی" بیمه کرده طفره رفته‌اند و همراه با آن اندوخته ها و بخش قابل توجهی از درآمد و مایملک سازمان تامین اجتماعی را به یغما برده و این سازمان عظیم را بسوی ورشکستگی رانده‌اند.

تامین اجتماعی در واقع یک حق عمومی است که می‌بایست همه ی مردم از آن بهرمنند شوند و کسر بودجه آن از طرف بودجه عمومی تامین شود. با این حال دولت ها در ایران بجای تامین کسر بودجه تامین اجتماعی، کسری بودجه خود را با برداشت از صندوق تامین اجتماعی که متعلق به کارگران و بیمه شدگان است تامین می‌کند. بدهی های رسمی دولت به تامین اجتماعی و صندوق های تامین اجتماعی سر به فلک کشیده و صندوقها بواسطه غارت و سئو استفاده دولت‌ها قادر به انجام تعهدات خود نیستند و به جد در معرض ورشکستگی قرار گرفته‌اند.

استفاده طلاب و روحانیون از خدمات تامین اجتماعی از جیب کارگران و بازنشستگان در شرایطی ادامه دارد که دوسوم کارگران ساختمانی و میلیونها کارگری که در کارگاه های کمتر از ۱۰ نفر کار می‌کنند و دو سوم کارگران قالیباف که جمعیتی بالغ بر نیم میلیون را به تنهایی تشکیل می‌دهد، فاقد بیمه هستند و دولت به بهانه نداشتن بودجه درخواست های مکرر این گروه برای برخورداری از بیمه را رد می‌کند و تلاش می‌کند به بهانه های مختلف عده‌ای را نیز که شامل بیمه هستند، از شمولت بیمه که حق هر شهروندی است خارج نمایند. گویی طلاب و روحانیون که از ارزش اضافی نیروی کار ارتزاق می‌کنند، در این مورد نیز از حق ویژه برخوردار هستند.

کارگران و بازنشستگان و سایر مزد و حقوق بگیران اعم از آنهایی که بیمه هستند و آنهایی که نیستند، باید بدانند که اگر هرچه زودتر نتوانند اداره صندوق تامین اجتماعی و سایر صندوقها را قبل از که ته مانده ذخایر آنها را به تاراج ببرند خود بدست بگیرند، آینده تیره و تاری را باید انتظار بکشند. تاخیر و تعلل در این خصوص حاصلی جز بی‌آیندگی ندارد.

علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی متحدانه مبارزه کنیم!

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته باشند!



هیچ چیز تغییر نکرده است

صادق



هیچ چیز بعد از انفجار مرگباری که به قیمت کشته شدن ۵۳ معدنچی و ۱۷ مصدوم تمام شد تغییر نکرده است.

این را یکی از مصدومان آن فاجعه هولناک به روزنامه انتخاب گفته است. بشنویم حرفهای خود محمد بهمدی یکی از مصدومان و جان بدربرندگان از فاجعه را به نقل از پایگاه خبری انتخاب:

محمد بهمدی، کارگر آسیب دیده معدن طبس، درباره خبر به کار افتادن دوباره معدن طبس گفت: همان " معدن دوباره راه افتاده و کارگران در همان جا مشغول کار هستند. با این حال که هنوز بخشی از کارگران در "بستر بیماری هستند، معدن با همان وضعیت مشغول کار است

محمد در قسمت دیگری از گزارش به تغییر نکردن روسا و مسئولین هم اشاره می کند. که معلوم می شود هیچ کس به رغم وجود مستندات کافی در مورد علت فاجعه مبنی بر مقصر بودن صاحب معدن و قصور مدیریت در رعایت اصول ایمنی نه تنها تحت پیگرد قضایی قرار نگرفته بلکه بدون اینکه اقدامی جهت ایمن سازی انجام دهند به کار در مدیریت معدن ادامه می دهند

این نکته البته در جمهوری اسلامی باعث تعجب کسی نمی شود، روالی است که دهها سال است ادامه دارد و هزینه آنرا هزاران کارگر با جان خود پرداخته و سود نجومی آنرا کارفرمایان و سرمایه داران رانتهی و مقامات فاسد دولتی و قضایی برده‌اند

اگر چنین فاجعه‌ای در کشوری که اندکی از حساب و کتاب و مسئولیت پذیری وجود داشت رخ داده بود، اگر دولت تغییر نمی کرد، حداقل چند وزیر و مدیرکل بر کنار می شدند

بی جهت نیست که سال به سال شمار حوادث کار و تعداد قربانیان آشکار و نهان آن بیشتر می شود و پس از هر حادثه‌ای معلوم می شود که علت اکثریت این حوادث نبود تجهیزات ایمنی و رعایت نشدن قوانین مربوطه توسط کارفرمایان و چشم فرو بستن مقامات قضایی و مدیران ارشد وزارت کار بر بانیان مال اندوز. حوادث بوده است



کما اینکه وزیر کار دولت موسوم به وفاق حتی قبل از آنکه علت فاجعه معدن طبس توسط کارشناسان خود این وزارتخانه بررسی و اعلام شود با "حادثه" خواندن فاجعه تکلیف کار و خط و ربط خود و دولت نسبت به آن را روشن کرد.

برخورد با جان بدربردگان و مصدومین و خانواده‌های جان باختگان چگونه است؟

یک روز قبل از انتشار این گزارش در "انتخاب" سخنگوی دولت پزشکیان در نشست هفتگی خود از تصمیم دولت برای "اهدای" کمک به خانواده‌های ۵۳ معدنچی جانباخته و نه "خسارت" هم سخن گفت. بنا به گفته وی دولت پرداخت یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و هزینه تامین یک خانه را برای خانواده‌ها تصویب کرده است. اما درست یک روز بعد از سخنان خانم. فاطمه مهاجرانی، انتخاب از قول محمد نوشت

با کارگران صحبتی درباره خانه نشده؛ گفته‌اند فوت شدگانی که زمین یا خانه نداشتند، خانه دار شوند " / پیمانکار و مسئولین همه مشغول کار هستند و کسی تغییر نکرده است / تأمین اجتماعی ۷ میلیون "می‌دهد، من با ۷ میلیون به عنوان سرپرست خانواده چگونه هزینه‌ها را تأمین کنم؟

بفرض اینکه دولت به این وعده خود پایبند بماند و این بهای نازل برای جانمایی که در جهنم صاحب معدن و حکومت سوختند و له لورده شدند آن را عملی نماید، نه ضایعه مرگ معدن چیان را و نه آینده و زندگی خانواده‌های آنان را تأمین می‌کند.

تعیین ۷ میلیون مستمری برای مصدومینی که قدرت کارکردن خود را از دست داده‌اند، نیز در شرایطی که هزینه‌های یک زندگی بخور و نمیر بالغ بر ۳۷ میلیون تومان محاسبه شده، در واقع محکوم کردن خانواده‌های مصدومین به گرسنگی و زندگی توأم با درد و رنج است. حداقل حقوق از کار افتادگی مصدومین نباید کمتر از حقوق دوران اشتغال شان باشد.

تا کنون ده‌ها هزار کارگر در طی بیش از ۴ دهه کشته و مصدوم شده‌اند، و در بهترین حالت به خانواده‌های آنهایی که تحت پوشش تأمین اجتماعی و بیمه بوده‌اند مستمری اندکی پرداخت کرده و بقیه را که بیمه نبوده‌اند به امان خدا رها کرده‌اند. از این به بعد نیز مادامی که این رژیم مستبد و عدالت ستیز بر سر کار باقی بماند، این وضعیت وخیمتر هم خواهد شد. این به معنای آن نیست که راه کاری برای رهایی نیروی کار و زحمت وجود ندارد. چرا وجود دارد، راه کار رهایی در دست خود آنهاست که اگر متحد و متشکل شوند می‌توانند قهارترین حکومت‌ها را شکست داده و بر سرنوشت خود حاکم شوند. پس درنگ نکنید متحد و متشکل شوید و اعتراضات خود را گسترش دهید

تجمع بازنشستگان فولاد در اصفهان، اهواز و دامغان/ چرا اصلاح همسان‌سازی انجام نمی‌شود؟

جمعی از بازنشستگان صنعت فولاد در اصفهان، اهواز و دامغان مقابل کانون‌های بازنشستگی تجمع کردند





مصدومیت ۳ کارگر در پی آتش سوزی در شرکت صنایع مس قائم

صبح امروز وقوع آتش سوزی در کوره شرکت صنایع مس قائم در شهرک صنعتی مورچه خورت اصفهان موجب مصدومیت سه کارگر شد.

مرگ یک کارگر در پروژه قطار شهری مشهد

یک کارگر در پروژه قطار شهری مشهد دچار حادثه کار شد و جان باخت.

جزئیات سوختگی یک کارگر محافظ منابع طبیعی مجموعه بام خرم آباد در آتش سوزی که در جنگل‌های مجموعه بام خرم آباد رخ داد، یک کارگر شرکتی مصدوم شد.

مرگ یک سیمان بر اثر سقوط از ارتفاع

یک کارگر سیمان در حین فعالیت شغلی خود دچار حادثه سقوط شد و جان باخت.

آتش سوزی انبار ابر و پنبه اصفهان ۵ مصدوم داشت

دو کارگر و سه آتش نشان در حادثه آتش سوزی روز گذشته کارگاه تولید ابر اصفهان دچار مصدومیت شدند.

جزئیات سوختگی یک کارگر محافظ منابع طبیعی مجموعه بام خرم آباد در آتش سوزی که در جنگل‌های مجموعه بام خرم آباد رخ داد، یک کارگر شرکتی مصدوم شد.



فقط کف خیابون به دست میاد حقمون

ظلم و ستم کافیه، سفری ما خالیه

تصاویر دیگری از تجمع اعتراضی امروز

راهپیمایی و تجمع اعتراضی بازنشستگان تامین اجتماعی شوش

اعتراض به سفره های خالی، به فقر، گرانی، تورم، اعتراض به دستمزدها های ناچیز و نامناسب، اعتراض به فساد، دزدی و غارت، اعتراض به نا امنی، اعتراض به تبعیض و نابرابری های، اعتراض به ستم و استثمار

نابود باد بندگی زنده باد زندگی



به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از افراد دارای معلولیت صبح امروز، ۲۵ مهرماه، در تهران مقابل سازمان ریاست جمهوری در اعتراض به عدم اجرای قانون حمایت از معلولان تجمع کردند.

این افراد به عدم اجرای ماده ۲۷ قانون حمایت از معلولان معترض هستند. طبق ماده ۲۷ این قانون، «دولت مکلف است کمک هزینه معیشت افراد دارای معلولیت بسیار شدید و یا شدید فاقد شغل و درآمد را به «میزان حداقل دستمزد سالانه تعیین و اعتبارات لازم را در قوانین بودجه سنواتی کشور منظور نماید».



در ادامه اعتراضات هفتگی کارکنان شرکتهای نفتی، کارگران رسمی اعتراض بزرگ برگزار می کنند

گزارش کانال شورای سازماندهی کارگران پیمانی نفت

همکاران رسمی در تدارک گردهمایی ای بزرگ

فردا یکم آبانماه یک روز بزرگ اعتراض در مناطق نفت و گاز و سکوهای نفتی

همکاران رسمی ما در شرکت های مختلف نفت و گاز و سکوهای نفت در تدارک تجمعاتی سراسری برای ساعت 9 صبح فردا سه شنبه یکم آبانمه تجمع خواهند کرد. این تجمعات در ادامه اعتراضات سراسری این همکاران بخاطر عدم پاسخگویی به مطالبات خود و کسورات ظالمانه مزدی انجام میگردد. طبق گزارشات این همکاران در مناطق مختلف عملیاتی خارک ، سیری ، لاوان ، بهرگان، قشم و کیش اعلام کرده اند که در همراهی با همکاران خود در شرکت های شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی، شرکت نفت و گاز پارس، شرکت پالایش گاز فجر جم، سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، شرکت POGC سکوهای دریایی بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی، شرکت پالایش گاز پارسیان، شرکت پایانه های نفتی ایران، منطقه



۱۰ عملیات انتقال گاز تجمعات اعتراضی خود را در یکم آبان برگزار خواهند کرد. این تجمعات در محوطه واحدهای بهره برداری مناطق عملیاتی برگزار خواهند شد.

در همین رابطه همکاران رسمی ما در خوزستان اعلام کرده اند که ساعت ۸ صبح فردا سه شنبه مورخ ۱ آبان مقابل ساختمان پنج طبقه مناطق نفتخیز جنوب در اهواز هم صدا با دیگر همکارانشان تجمع خواهند کرد. همکاران رسمی همچنین از شرکتهای نفتی مناطق شش گانه فلات قاره (منطقه خارگ ، منطقه سیری ، منطقه لاوان، منطقه بهرگان، منطقه قشم، منطقه کیش) و شرکتهای مستقر در منطقه با این فراخوان سراسری اعلام همبستگی کرده اند POGC_پارس جنوبی و سکوی های_۴۰ گانه

بدینگونه همکاران رسمی ما فردا یکم آبانماه در حرکتی هماهنگ و سراسری کار را تعطیل کرده و تجمعات سراسری خود را بر پا خواهند کرد. شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت از اعتراضات و خواستههای همکاران رسمی قاطعانه حمایت میکند

اهم خواستههای همکاران رسمی عبارتند از: حذف کامل سقف حقوق، حذف محدودیت حق سنوات بازنشستگی، عودت کسورات مزاد مالیات، اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت بکپی و عدم دست درازی به صندوق بازنشستگی کارکنان نفت ، تفکیک مشاغل در مناطق عملیاتی، استرداد مزاد مالیات ، اجرای ... کامل ماده ده و

اعتصاب_سراسری#

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>